

نقد کتاب آیین جوانمردی اثر هانری کربن بر اساس مولفه‌های تفکر انتقادی

سیده نجمه حسینی سرخنی^۱، نعمت الهه ایرانزاده^{۲*}، فرشته نباتی^۲

۱- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

۲- گروه فلسفه و منطق، دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

سال هفدهم، شماره ششم، شهریور ۱۴۰۳، شماره پی در پی ۱۰۰، صص ۲۳۴-۲۱۵

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2024.17.7457>

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: کتاب آیین جوانمردی به قلم هانری کربن، مجموعه‌ای است از تحلیل و بررسی هفت فتوت نامه که شامل آداب و رسوم مربوط به جوانمردی و تعالیم اخلاقی و حکمت عملی است. نویسنده در این کتاب دارای نگرشی خاص است و با استدلال‌های پی در پی، نظریه خود را اثبات می‌کند.

روش پژوهش: این مقاله بر آن است تا با بررسی شیوه بحث و چگونگی استدلال‌های نویسنده، روش پژوهشی او را شناسایی کند. در جهت این شناسایی، ابتدا گزاره اصلی که نویسنده در صد اثبات آن بر آمده است، شناسایی شد. سپس استدلال‌های مربوط به آن استخراج گردید و بر اساس مولفه‌های تفکر انتقادی مورد ارزیابی قرار گرفت.

یافته‌ها: از میان مولفه‌های تفکر انتقادی، مهمترین ویژگی استدلال‌های کربن و تعاریف او، وضوح ارتباط و داشتن وسعت نظر است.

نتیجه گیری: نتیجه‌ای که از این پژوهش به دست آمد این است که کربن قبل از ورود به بحث، ابتدا مفاهیم و واژه‌های کاربردی را تعریف می‌کند. سپس با بیان مقدمات، استدلال خود را می‌سازد و در نهایت بحث خود را با چند جمله کوتاه و واضح جمع بندی می‌کند.

تاریخ دریافت: ۰۱ مهر ۱۴۰۲

تاریخ داوری: ۰۵ آبان ۱۴۰۲

تاریخ اصلاح: ۲۰ آبان ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۰۳ دی ۱۴۰۲

کلمات کلیدی:

هانری کربن، آیین جوانمردی، تفکر انتقادی، روش پژوهش، استدلال

* نویسنده مسئول:

iranzadeh@atu.ac.ir

۸۸۶۹۲۳۴۵ (+۹۸ ۲۱)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Criticism of the book of chivalry by Henry Carbone based on the components of critical thinking

S.N. Hosseini Sorkhani¹, N. Iranzadeh*¹, F. Nabati²

1- Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Foreign Languages, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

2- Department of Philosophy and Logic, Faculty of Literature and Foreign Languages, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 23 September 2023

Reviewed: 27 October 2023

Revised: 11 November 2023

Accepted: 24 December 2023

KEYWORDS

Henry Carbone, tAyeene javanmardi, critical thinking, research method, reasoning

*Corresponding Author

✉ iranzadeh@atu.ac.ir

☎ (+98 21) 88692345

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: The book of chivalry by Henry Carbone is a collection of analysis and review of seven fatut letters, which include customs related to chivalry, moral teachings and practical wisdom. The author has a special attitude in this book and proves his theory with successive arguments.

METHODOLOGY: This article aims to identify the author's research method by examining the style of discussion and how the author's arguments are. In the direction of this identification, first the main statement that the author tried to prove was identified. Then the related arguments were extracted and evaluated based on the components of critical thinking.

FINDINGS: Findings: Among the components of critical thinking, the most important features of Carbone's arguments and his definitions are clarity, communication and breadth of opinion.

CONCLUSION: The result obtained from this research is that before entering the discussion, Carbone first defines the concepts and terms used. Then, by stating the premises, he builds his argument and finally summarizes his argument with a few short and clear sentences.

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2024.17.7457>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 11	 0	 0

مقدمه

هانری کربن (۱۹۰۳-۱۹۷۸ م) از مشهورترین شرق شناسانی است که در زمینهٔ اسلام، ادبیات، عرفان و فلسفه اسلامی پژوهشها و تحقیقات بسیاری را انجام داده است. او شاگرد فیلسوفان بزرگی نظیر ادموند هوسرل، ارنست کاسیرر و لویی ماسینیون بود. همچنین سالهای زیادی را در ایران سپری کرد و با دانشمندان بزرگی همچون علامه طباطبایی، مصاحبت داشت.

کربن آثار برجسته ای را در زمینه های مختلف عرفان، ادبیات، فلسفه و تفکر شیعی به زبان فرانسه ترجمه کرد. یکی از موضوعات مهم و مورد علاقهٔ او بررسی سیر تصوف، و ارتباط آن با آیین فتوت و جوانمردی بود. کتاب « آیین جوانمردی » حاصل پژوهشهای دقیق کربن در هفت فتوت نامه است. به نظر کربن رسوم و آداب مربوط به جوانمردی از جمله ذخایر معنوی و فرهنگی جوامع ایرانی است که سلسله ای از تعالیم اخلاقی و اجتماعی برای همهٔ مردم را شامل میشود. به خصوص در دورانی که مردم در سختی و رنج قرار گرفته اند و سستی عقیده بر آنها چیره شده است، مطرح کردن آیین جوانمردان میتواند از درد و الم آنان بکاهد (نک: کربن، ۱۳۶۳، ص ۹). آیین جوانمردی، مجموعه ای از احکام و قواعد دینی است که اهل فتوت آن را به صورت تلطیف شده و از سر عشق خالصانه به پروردگار، در اختیار مردم عادی قرار میدهند.

کتاب « آیین جوانمردی » شامل مقدمهٔ تحلیلی هانری کربن بر کتاب رسائل جوانمردان، یک پیشگفتار از مترجم و دو بخش است. بخش اول با عنوان « آیین جوانمردی »، به قلم مولف و مشتمل بر یک درآمد و هشت فصل است. بخش دوم کتاب، که مترجم آن را افزوده، شامل نظرات سایر محققان ایرانی درباره آیین فتوت است. این مقاله با توجه به هدفی که در پیش گرفته، تنها به بررسی بخش اول کتاب که نوشتهٔ هانری کربن است، میپردازد. نویسندگان با استفاده از مولفه های تفکر انتقادی، نحوهٔ ورود به بحث و استدلال و نیز شیوهٔ نتیجه گیری از بحث را در کتاب « آیین جوانمردی » بررسی میکنند.

هدف از این بررسی این است که دریابیم کربن چگونه و با استفاده از چه روشهایی داده های خود را در جهت رسیدن به نتیجه در کنار هم قرار میدهد؛ آیا او در استدلال کردن، نقادانه فکر میکند؟ شیوهٔ کار در این بررسی بدینگونه است که گزاره های تعریفی و گزاره هایی که استدلالی را شکل داده اند، استخراج میشوند و هر کدام، بر اساس مولفه های تفکر انتقادی تحلیل میگردند. آنچه که در این تحلیل، اهمیت مییابد، گزاره ای است که کربن از ابتدا تا پایان مباحث خود، در پی اثبات آن است. کربن با بررسی فتوت نامه ها و تحلیل آنها، گزارهٔ زیر را اثبات کرده است:

« غایت فتوت با تمام مذاهب و معارف در یک افق مشترک قرار میگیرد ». (کربن، ۱۳۸۳، ص ۹۷)

اینکه چگونه این گزاره، با مقدمات، تعاریف مختلف و استدلالهای گوناگون اثبات میشود، موضوعی است که این مقاله در صدد کشف و تحلیل آن بر آمده است. کشف شیوهٔ تفکر نزد هانری کربن میتواند به عنوان الگویی نزد پژوهشگران ایرانی مطرح نظر قرار بگیرد. با توجه به اینکه تا کنون هیچ تحقیق مستقلی در زمینهٔ شیوهٔ تفکر نزد مستشرقین صورت نگرفته است، انجام چنین پژوهشی ضروری مینماید.

تفکر انتقادی

صاحب نظران در حوزهٔ « تفکر انتقادی » تعاریف متفاوت و گاه متشابهی را برای این واژه بیان میکنند. به طور مثال فیشر تفکر انتقادی را اندیشیدن دربارهٔ اندیشیدن به قصد ارتقای اندیشیدن میداند (فیشر، ۱۳۸۵، ص ۵). در واقع

از نظر او آنچه که اهمیت دارد، ارتقای اندیشیدن است. اینکه انسان بتواند بدون تقلید و الگوبرداری، به اندیشیدن خود اتکا و اعتماد کند و با به دست آوردن اطلاعات و پردازش آنها، خود به نتیجه برسد. (جهت مشاهده تعاریف بیشتر نک: قاضی مرادی، ۱۳۹۳، ص ۳۱ و خدادادی، ۱۳۹۰، ص ۱۳)

تفکر انتقادی یا سنجشگرانه اندیشی، نوعی از اندیشیدن است که رویکردی عملگرا و منطقی دارد. به این معنا که همچون ابزاری در اختیار متفکر قرار میگیرد و با در نظر گرفتن شواهد و دلایل موجود، به پردازش، کشف و یا حل مسائل میپردازد. مولفه های تفکر انتقادی، خود، میتواند به عنوان معیاری برای ارزیابی و ارزشگذاری هر تفکری مورد استفاده قرار بگیرد. با این تعریف، تفکر انتقادی در تمام رشته های علمی و حتی غیر علمی، میتواند یاری رسان متفکر باشد و او را تا رسیدن به نتیجه، از خطا، مصون بدارد؛ بنابراین نمیتوان آن را علمی مختص فلسفه و یا روانشناسی دانست.

تفکر انتقادی ابعاد گوناگونی دارد. برخی به رابطه تفکر انتقادی با آموزش میپردازند و آن را به عنوان موضوعی برای آموزش در مدارس معرفی میکنند. بعد دیگر تفکر انتقادی با بحثهای منطقی صوری ارتباط پیدا میکند. از آنجا که تفکر انتقادی، رویکردی منطقی و عملگرا دارد، میتواند در استدلال کردن، از خطای احتمالی و افتادن در بند مغالطات، جلوگیری کند. چرا که تفکر انتقادی، مولفه هایی دارد و در واقع شیوه ای از تفکر را معرفی میکند که در آن احتمال خطا، کاهش مییابد. در این پژوهش، بعد دوم یعنی تفکر انتقادی مرتبط با منطق صوری، مطرح نظر است.

مولفه های تفکر انتقادی

مولفه های تفکر انتقادی در کتابهای مختلف، تقریباً یکسان است اما به شیوه های مختلف بیان شده است. برخی از این مولفه ها مربوط به فرایند قبل از نوشتن است. این گونه مولفه ها اگرچه مستقیماً در متن پژوهشی تأثیر گذار هستند، محسوس و عینی نیستند. اما از مولفه های تفکر انتقادی، آنچه را که میتوان در متن پژوهشی یافت به شرح زیر است:

« ۱-وضوح ۲-ارتباط ۳-منطقی بودن ۴-درستی ۵-عمق ۶-اهمیت ۷-دقت ۸-وسعت نظر ۹-منصفانه بودن » (الدر و پل، ۱۳۹۷، ص ۱۱۷)

« البته این موارد تنها معیارهای فکری قابل استفاده نیستند، بلکه جزو اساسی ترین آنها محسوب میشوند. از این حیث مولفه های تفکر اساسی ترند، زیرا هر نه مولفه ای که بر شمرده ایم جهان شمول هستند و همیشه در تمامی فرهنگ ها در استدلال در موضوعات مختلف حضور دارند. » (همان)

۱-وضوح:

وضوح یکی از مهمترین مولفه های تفکر انتقادی و پایه و اساس آن است. متفکر انتقادی قبل از هر گونه اظهار نظر درباره موضوعی خاص، لازم است مفاهیم کاربردی آن موضوع را به طور واضح تعریف کند. هم چنین در بیان هر گزاره ای، می بایست از ایجاد ابهام و چند پهلوییهای گیج کننده دوری جوید. « وضوح بخشیدن به معنا درباره این ابهامها و چندپهلوی گوییها یعنی تلاش برای تصریح، توصیف و همانند سازی برای درک اینها » (قاضی مرادی، ۱۳۹۳، ص ۸۸)

عدم وضوح، منجر به عدم درک و یا درک نادرست در مخاطب میشود و او تا پایان، با خطای ذهنی خویش، با متفکر همراه میشود. الدر و پل معتقدند وضوح، مهمترین معیار فکری است. اگر گفته ای نا واضح باشد، نمیتوان

درستی یا ارتباط آن را تشخیص داد. اساسا در این صورت هر اظهار نظری ناممکن خواهد بود، زیرا نمی دانیم منظور چه بوده است (نک: الدر و پل: ۱۱۹).

۲-درستی:

« درست بودن یعنی بیان مطلبی مطابق با آنچه واقعا وجود دارد. افراد اغلب مسائل یا رویدادها را به گونه ای توضیح میدهند که با واقعیت مطابقت ندارد، به خصوص زمانی منفعتی وجود داشته باشد ممکن است آن را بد جلوه دهند یا طور دیگری توصیف کنند.» (همان: ۱۲۰)

برخی از پژوهشگران به طور طبیعی معتقدند که افکارشان درست است فقط به این دلیل که به آنها تعلق دارد؛ بنابراین افکار مخالفان خود را نادرست میپندارند. همچنین نمیتوانند به نادرستی افکار موافقان خود شک کنند. در واقع این نوع از تفکر، جزم اندیشی و روش اندیشه گری غیر انتقادی است که به واسطه آن، محقق نمیتواند و یا نمیخواهد عدم صدق دیدگاه خود و یا دیگران را دریابد. موانعی از جمله تعصب، منفعت طلبی، جهل، شتاب زدگی و یا تقلید کورکورانه، راه صحیح اندیشیدن را مسدود کرده و منجر به انحراف محقق میشود.

۳-دقت:

دقت نیز به عنوان یکی از مولفه های ارزشمند در تفکر انتقادی مطرح میشود. یک گزاره ممکن است واضح و درست، اما نادقیق باشد. « دقیق بودن به معنای ارائه جزئیات بیشتر است طوری که منظور گزاره به دقت درک شود» (همان، ۱۲۲)

البته در برخی مواقع نیاز به ارائه جزئیات نیست. زمانی که مخاطب با یک واژه، منظور را کاملا درک میکند و توضیح بیشتری نمیخواهد، ارائه جزئیات، کاری بیهوده است. اما در بسیاری از مواقع ارائه اطلاعات صریح برای تفکر الزامی است. ارائه جزئیات بیشتر، درک مساله را برای مخاطب آسانتر میکند و مانع ایجاد خطاهای احتمالی در دریافت موضوع میشود.

۴-ارتباط:

ممکن است گزاره ای، واضح، دقیق و درست باشد اما به موضوع مورد بحث، ارتباطی نداشته باشد. موضوع هنگامی مرتبط محسوب میشود که به طور مستقیم به مساله مورد نظر بپردازد و در حل آن کاربرد داشته باشد. حضور گزاره های نامربوط در یک متن پژوهشی، برای مخاطب نوعی سردرگمی و در فرایند درک موضوع، اختلال ایجاد میکنند. ممکن است مخاطب به جملاتی که به بحث اصلی ارتباطی ندارد، توجه کند و از اصل مبحث، غافل شود. داشتن نظم و انضباط فکری به پژوهشگر کمک میکند تا موضوعات را به صورت موثر بیان کرده و فهم مطلب را میسر سازد. عدم ارتباط، منجر به انحراف از مساله اصلی و عدم تمرکز مخاطب میشود.

میان نتیجه و مقدمه هایی که قرار است نتیجه را پشتیبانی کنند، سه نوع نسبت ربط داری میتواند وجود داشته باشد: ربط ایجابی: مقدمه در جهت اثبات نتیجه عمل کند. ربط سلبی: مقدمه در جهت ابطال نتیجه عمل کند. بی ربطی: مقدمه نه نتیجه را اثبات کند و نه ابطال. (نک: لوبلان، ۱۳۹۳، ۲۳۸-۲۳۷) در بررسی مولفه ارتباط، می بایست ارتباط میان مقدمات و نتیجه ارزیابی و مشخص شود.

۵-عمق:

« تفکر هنگامی عمیق محسوب میشود که از سطح مساله یا مشکل بگذرد و پیچیدگیهای آن را مشخص و مسئولانه به این پیچیدگیها رسیدگی کند.» (الدر و پل، ۱۲۴) پژوهشگری که با تفکر انتقادی به بیان مباحث میپردازد، مسائل پیچیده را تشخیص میدهد و آنها را یک به یک بررسی میکند.

۶-وسعت نظر :

هنگامی که پژوهشگر، مساله مطرح شده را با در نظر گرفتن تمام دیدگاهها بررسی میکند، در حقیقت به گونه ای وسیع می اندیشد. اما زمانی که او قادر به بیان سایر دیدگاهها و به خصوص دیدگاههای مخالف نباشد، در واقع تفکر او کوتاه فکرا نه خواهد بود. « انسانها اغلب و به دلایل بسیاری کوتاه فکرنند: تحصیلات محدود، جامعه گرایی غریزی، خودخواهی طبیعی، خود فریبی و تکبر فکری. دیدگاههایی که مخالف نظر ما هستند ما را تهدید میکنند و هنگامی که معتقد باشیم با در نظر گرفتن این دیدگاهها مجبور می شویم در نظرات خود تجدید نظر کنیم نادیده گرفتن آنها آسانتر میشود» (همان، ص ۱۲۵).

امتناع از پذیرش دیدگاههای متفاوت یکی از ساز و کارهای ابتدایی ذهن برای اجتناب از رها کردن خواستههای خود است. بر خلاف آن، پذیرش دیدگاههای متفاوت و بررسی بی طرفانه هریک، نشان از وسعت نظر در تفکر است.

۷-منطقی بودن :

پژوهشگر در انجام تحقیق علمی خود، اندیشه های مختلف را به روشهای خاص با یکدیگر ادغام میکند و نتیجه میگیرد. « زمانی که افکار ترکیب شده متقابلا یکدیگر را تایید کنند و در کنار هم معقول به نظر برسند تفکر منطقی است، اما زمانی که مولفه های این ترکیب یکدیگر را تایید نکنند و از برخی جهات متناقض باشند یا معقول به نظر نرسند، ترکیب منطقی نیست» (همان، ۱۲۶).

متفکر انتقادی در پژوهش خود با کنار هم چیدن مقدمات، به داوری درباره موضوعات مختلف میپردازد. « در تفکر انتقادی داوری وقتی منطقی است که قابل بازسنجی و بازنگری باشد. اما در تفکر غیر انتقادی موضع گیری را نمیتوان سنجید و بازنگری کرد» (قاضی مرادی، ۲۱۹).

۸-اهمیت :

« هنگامی که درباره موضوع خاصی استدلال می کنیم، باید در استدلال خود بر مهمترین اطلاعات (مرتبط با موضوع) تمرکز و مهمترین ایده ها و مفاهیم را بررسی کنیم. اغلب تفکر ما نتیجه ای ندارد، زیرا نمی دانیم که اگرچه ایده های مرتبط زیادی وجود دارند، همگی به یکسان مهم نیستند. به همین دلیل نمیتوانیم مهمترین پرسشها را بررسییم و به دام تفکر سطحی و بی اهمیت می افتیم» (الدر و پل، ۱۲۷).

بررسی « اهمیت » در یک متن پژوهشی، باز بسته به بررسی « ارتباط » است . در صورتی که پژوهشگر، با بیان مسائل نامرتبط، از بحث اصلی خود دور شود و به مباحثی که اهمیتی ندارند، بپردازد، در واقع دو معیار مهم را نادیده گرفته است.

۹-منصفانه بودن:

« در حین استدلال برای رسیدن به نتیجه، باید ببینیم مفروضاتی که برای نتیجه گیری به کار می بریم با توجه به واقعیتهای قضیه موجه و منصفانه اند یا نه. شاید دریابیم مفروضات مان چیزی جز همان تعصبات و تصورات قالبی مان نیست؛ و هر تصور قالبی و تعصبی هم ماهیتا نامنصفانه است.» (همان، ۱۲۹)

اگر پژوهشگر تمام معیارهای مطرح شده را در پژوهش خود، رعایت کند، او منصفانه عمل کرده است. در واقع اگر پژوهشگر از بررسی اطلاعات مرتبط و مهم خودداری کند و یا اطلاعاتی را که به منافع خودخواهانه او آسیب میزند بیان نکند، او منصفانه عمل نکرده است. بسیاری از انسانها برای به دست آوردن خواستههای خود، حتی به قیمت آسیب رساندن به دیگران، مقاصد ناحقی را دنبال میکنند و برای اغوای دیگران به طرزی نامنصفانه از مفاهیم استفاده میکنند. « از این رو ضروری است که توجه داشته باشیم اولاً آنها (داده ها) را آن طور که میخواهیم یعنی

از پشت عینک باورها، ارزشها و حتی جانبداریها و اغراض مان نبینیم. ثانيا دربارۀ آنچه میبینیم پرسشهایی را با واسطهٔ پیشداوریها و اغراض شخصی یا گروهی خود طرح نکنیم تا به همان پاسخهایی برسیم که از پیش، مطلوبمان است» (قاضی مرادی، ۹۴).

تحلیل و بررسی

در تحلیل نقادانهٔ کتاب آیین جوانمردی و شناخت روش پژوهشی نیاز است به دو مطلب اساسی بپردازیم: اول اینکه با مفاهیم مهم و کاربردی متن چگونه برخورد شده و شیوهٔ تعریف واژه ها نزد کربن چگونه است؛ آیا واژه ها قبل از قرار گرفتن در بحث و استدلال، به شیوهٔ درستی تعریف شده اند؟ در مرحلهٔ بعدی باید بررسی شود مولف برای ارائه دیدگاههای خود و نشان دادن درستی آنها چه استدلالهایی مطرح کرده است و آیا ساختار این استدلالها بر اساس مولفه های تفکر انتقادی، درست هستند یا خیر. بنابراین نگارنده ابتدا تعاریف و سپس استدلالهای موجود در کتاب را استخراج کرده و سپس هر یک را ارزیابی میکند. قبل از بررسی تعاریف و استدلالها، لازم است ویژگیهای تعریف و استدلال صحیح بیان شود.

تعریف

« هدف از ارائه تعریف این است که معرف با عباراتی روشن و واضح بیان شود تا پس از رفع ابهام از ماهیت آن، کسی که تعریف برای وی ارائه میشود، بتواند حقیقت معرف را درک کند.» (نظرنژاد، ۱۳۸۱، ۷۹)

یکی از بخشهای مهم تفکر انتقادی و سنجشگرانه اندیشی، به بحث تعریف مربوط میشود. « برای رسیدن به فهم روشن از یک اندیشه و استدلال، نخست باید واژه هایی را که در بیان آن اندیشه و استدلال به کار رفته اند، فهمید. بسیاری اوقات دلیل فهم ناقص ما از یک اندیشه، یک یا چند واژه از واژه های به کار رفته را نمیفهمیم. اینجاست که اهمیت « تعریف » در تفکر انتقادی آشکار میشود. تعریفها معنای واژه ها و عبارتهای به کار رفته در بیان یک اندیشه را برای ما روشن میکنند و از این طریق، به فهم روشن و دقیق از یک اندیشه نیز به ما کمک میکنند تا در ارزیابی آن اندیشه و استدلال پشتیبانی کننده اش، موفقتر عمل کنیم. تعریف به ما کمک میکند تا به اندیشه ها و سخنان و استدلالها « وضوح » ببخشیم و در نتیجه، آن اندیشه ها و سخنان و استدلالها را بهتر بفهمیم (نک: لوبلان، ۱۳۹۳، ۱۶۳)

استدلال

« استدلال یعنی کشف احکام مجهول به وسیله احکام معلوم، پیچیدهترین و کاملترین عمل ذهنی است و همان است که پیشرفت تمدن و فرهنگ و کشف قضایای هندسی و معادلات جبری و فرمولهای فیزیکی و شیمیایی و خلاصه هرگونه تحقیق و تتبع را میسر ساخته است» (خوانساری، ج ۲، ۱۳۶۶، ص ۱۲۸).

زمانی که ذهن قضایای معلوم را در کنار یکدیگر قرار میدهد، آنها را به صورت مقدمه، تنظیم کرده و قضیه ای مجهول را کشف میکند و یا زمانی که با آوردن شواهد و دلایل، نظریه ای را اثبات یا توجیه مینماید، استدلال صورت گرفته است. هر استدلال از یک یا چند مقدمه تشکیل میشود. مقدمات دلایلی هستند که به واسطه قرار گرفتن شان در کنار یکدیگر، نتیجه به اثبات میرسد. همواره باید در استدلال، مقدمات، نتیجه را پشتیبانی کنند. استدلال، یکی از روشهایی است که بسیاری از پژوهشگران در تحقیقات علمی خود، برای رسیدن به نتیجه از آن بهره می برند. متون علمی که در اختیار مخاطب قرار میگیرد، میتواند سرشار از استدلالهای آشکار و پنهان باشد.

برای ارزیابی و ارزشگذاری استدلال‌های موجود در یک متن علمی، ابتدا می‌بایست استدلالها را تشخیص داد. یعنی تحلیل‌گر از خود بپرسد آیا در متن پیش‌رو، مولف اثر در پی اثبات نتیجه‌ای است؟ آیا مولف برای اثبات نتیجه، دلیل می‌آورد؟

پس از یافتن استدلال، می‌بایست آن را بازسازی کرد. بازسازی استدلال به این معنا است که مقدمات (دلایل) و نتیجه، مشخص شوند و ساختار استدلال منظم گردد. در بسیاری از متون، اغلب، مولف، نتیجه‌ای را که می‌خواهد اثبات کند، در ابتدای بند می‌آورد. به این ترتیب خواننده از همان ابتدا در مییابد که تا پایان بحث، چه نتیجه‌ای اثبات شده است. بدین ترتیب، فهم استدلال برای مخاطب آسانتر خواهد شد.

«گاه در یک استدلال، برخی مقدمه‌ها به صراحت بیان نمی‌شوند. بلکه مسلم فرض می‌شوند. مقدمه بیان نشده یک استدلال انگاشته آن استدلال است. در بسیاری از موردها، مقدمه بیان نشده یا انگاشته، که برای منطقی استدلال ضرورت دارد، روشن است و لازم نیست که ما آن را تصریح کنیم» (لویلان، ۱۳۹۳: ۶۷) در این صورت، هنگام بازسازی استدلال، می‌بایست مقدمه ذکر نشده، به صراحت بیان شود تا ساختار صوری استدلال، مشخص گردد.

انواع استدلال

۱- استقراء: «استقراء حجتی است که در آن ذهن از قضایای جزئی به نتیجه‌ای کلی می‌رسد. یعنی از جزئی به کلی می‌رود و به تعبیر دیگر از محسوس به معقول یا از واقعه به قانون می‌رسد. (نک: خوانساری، ج ۲، ۱۳۶۶، ص ۱۳۳)

۲- تمثیل: «تمثیل یا استدلال تمثیلی حجتی است که در آن حکمی را برای چیزی از راه شباهت آن با چیز دیگر معلوم کنند.» (همان، ص ۱۳۶)

۳- قیاس: قیاس قولی است فراهم آمده از چند قضیه، به نحوی که از آن قول ذاتا قول دیگری لازم آید. (همان، ص ۱۴۲)

در واقع استدلال قیاسی بدین صورت است که دو یا چند قضیه را پذیرفته و آنها را در کنار هم قرار دهیم. سپس از بررسی آنها قضیه‌ای جدید (نتیجه) را اثبات کنیم.

۴- استنتاج بهترین تبیین: «از اواسط سده بیستم، شیوه‌ای استدلالی تحت عنوان «استنتاج بهترین تبیین» شناسایی شد. در این شیوه با مفروض گرفتن مجموعه‌ای از اطلاعات، بهترین نظریه‌ای که بتواند آن را تبیین کند، نتیجه گرفته می‌شود» (نباتی، ۱۳۸۵، ص ۱).

تعریف و استدلال در کتاب آیین جوانمردی

کربن در کتاب آیین جوانمردی در پی اثبات گزاره‌ای است و برای اثبات این گزاره، مخاطب را گام به گام با افکار خویش همراه می‌سازد. او بعد از تعریف واژه‌ها، اطلاعات خود را سازمان دهی کرده و با نظم مشخصی، مخاطب را تا رسیدن به نتیجه هدایت می‌کند. این هدایت و همراهی را میتوان در چهار گام بررسی کرد:

گام اول: تعریف واژه‌ها

کربن در ابتدای تمام مباحث خود و قبل از هرگونه توضیح و تحلیل، ابتدا به تعریف واژه‌ها کلیدی می‌پردازد. یکی از مهمترین واژه‌های که در طول تمام مباحث و نیز در عنوان کتاب وجود دارد، واژه «جوانمرد» است. کربن

برای تعریف این واژه ابتدا به بررسی ریشه واژه فتوت (فتی) و سپس معنای اصطلاحی این واژه میپردازد. او در مقدمه کتاب، واژه فتی را اینگونه تعریف میکند:

«واژه عربی «فتی» که جمع آن فتیان است، بر مفهوم جوانی - از شانزده تا سی سالگی - دلالت میکند معادل فارسی این واژه، «جوان» و معادل لاتینی اش «جوونیس»^۱ است.» (کربن، ص ۳)

در جایی دیگر و در خلال بحث، کربن یکبار دیگر واژه «فتی» را تعریف میکند: «فتی از دیدگاه لغوی به معنای جوان است، اما از دیدگاه عرفانی و تمثیلی، وصف کسی است که به کمال فطرت خود میرسد.» (کربن، ص ۳۲) با توجه به بحثهای بعدی و اهدافی که کربن در پیش دارد، تعاریف مطرح شده برای واژه «فتی»، دقیق است. بیان معنای لغوی و اصطلاحی واژه و مشخص کردن یک محدوده سنی، این دقت را آشکار میسازد. اگر چه به کارگیری اصطلاح «کمال فطرت»، خود نیاز به تعریف دارد و ابهام در تعریف ایجاد کرده، اما این ابهام با توضیحات بعدی از میان می رود و معنای این ترکیب نیز مشخص میشود.

در جمله «جوانمردی که معادل فارسی فتوت است، همان جوانی است»، تعریف دچار خطای «دور» شده است. یعنی این جمله هیچ اطلاعات جدیدی در اختیار مخاطب قرار نمیدهد و تنها میتواند مقدمه ای برای جمله های بعدی باشد.

بعد از تعریف واژه «فتی»، معنای واژه فتوت مشخص میشود: «جوانمردی» که معادل فارسی فتوت است، همان جوانی است و مفهوم دقیق لغوی آن، دوره جوانی از حیث جسمانی است، اما معنای مجازی آن «سالک» یا زایر معنوی است که به منزلگه دل رسیده باشد؛ یعنی حقیقت باطنی انسان را درک کرده و در نتیجه به مرحله جاودانه روح نایل گردیده باشد. جوانی از لحاظ جسمانی به معنای رسیدن به کمال و شکفتگی ظاهری و جسمانی انسان و از لحاظ معنوی به معنای شکوفایی کامل خصلتها و نیروهای درونی اوست به جوان، فتی یا جوانمرد و در زبان فرانسه شوالیه^۲ میگویند.» (کربن، ص ۳)

کربن در حین تعریف این واژه، بحث کوتاهی درباره گروههای مختلفی که به «فتیان» و یا جوانمردان مشهور بودند و در دوره های مختلف تاریخی ظهور پیدا کرده اند، دارد. او با توضیح معنای واژه فتوت، منظور خود را از این واژه در مباحث پیش رو مشخص کرده و معتقد است هر گروهی که این صفات خاص را داشته باشند - چه در نسلهای نخستین مسلمانان و چه نسلهای بعدی - به عنوان «اهل فتوت» شناخته میشوند؛ اگر چه این مفهوم در طول تاریخ تغییر ماهیت داده است.

در تعریف ارائه شده برای واژه «فتوت» کربن به شیوه های گوناگون عمل کرده است. او ابتدا معنای لغوی و سپس معنای اصطلاحی (قراردادی) و مجازی آن را بیان میکند. در پایان نیز مترادف آن را در زبان فارسی و فرانسه آورده است. هدف او از آوردن مترادفات، استفاده از آنها در جای جای کتاب است. در این کتاب همواره، واژه های فتی، جوانمرد و شوالیه به جای یکدیگر به کار می روند.

گام دوم: فراهم آوردن مقدمات

با تعریف واژه کلیدی «فتوت»، مخاطب برای بحث اصلی آماده شده است. در مرحله بعدی کربن به صورت تاریخی به ریشه یابی بحث میپردازد. او داده های جمع آوری شده را، مرتب کرده و با بیانی ساده و واضح، بحث را

^۱ Juvenis

^۲ Cheva

به سوی ساخت ساخت مقدمات و بحث و استدلال استدلال، هدایت میکند. برای فراهم آوردن مقدمات، داده‌های جمع‌آوری شده، ارزش می‌یابند. این اطلاعات جمع‌آوری شده، میتواند تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و گاه سیاسی باشد. کربن با در نظر گرفتن همه جوانب یک موضوع، اطلاعات مورد نیاز را در کنار هم قرار میدهد و ساختار استدلالهای خود را میسازد.

گاه مقدمات یک استدلال، نتایجی است که از استدلالهای پیشین به دست آمده است. در این گونه موارد کربن سعی کرده تا مخاطب را گام به گام با خود همراه سازد و او را تا رسیدن به نتیجه اصلی و کلی کتاب با خود همراه میکند.

گام سوم: بحث و استدلال

لازم است برای وضوح بیشتر روش او، ابتدا نتیجه اصلی که در طول کتاب در پی اثبات آن است، بیان شود. کربن با بررسی فتوت نامه‌ها و جمع‌آوری داده‌ها از این کتابها، آیین جوانمردی را موضوعی مشترک در تمام تعالیم معنوی و معارف، معرفی میکند. او با بر شمردن ویژگیهای «فتوت» و یافتن موارد مشابه در سایر ادیان، به این نتیجه میرسد که همه ادیان، آیین به شکلهای گوناگون، در داشتن آیین جوانمردی مشترک هستند.

کربن در ابتدا، بحث خود را با یک استدلال ساده آغاز میکند و «فتوت» را به زمان شیث بنی آدم ارتباط میدهد: مقدمه ۱: «شناخت فتوت شاخه‌ای از تصوف و یکتا‌شناسی است». (کربن، ص ۷)

مقدمه ۲: «سابقه تصوف به شیث بنی آدم میرسد» (همان)

نتیجه: فتوت به شیث بنی آدم میرسد.

همچنین کربن توضیح میدهد که جوانمردی به عنوان شاخه‌ای از عرفان، سابقه‌ای تاریخی دارد که به حضرت ابراهیم میرسد. بنابراین فتوت از شیث آغاز شده و در زمان ابراهیم به عنوان شیوه‌ای از زندگی، وجود داشته است. کربن در صفحات بعدی، به زنجیره تاریخی فتوت که ولی آن شیث است، اشاره کرده و آن را قابل انطباق با فلسفه شلینگ فیلسوف آلمانی دانسته است. «به نظر او (شلینگ) حوادث و وقایعی در ملکوت اعلی رخ میدهد که بازتاب آنها در این جهان به صورت تمثیل است. مثال آن، شیث پسر آدم است». (کربن، ص ۴۱) سپس داستان شیث را به صورت مفصل می‌آورد.

بنابراین با استفاده از نتیجه استدلال اول و از دل آن، استدلال دیگری شکل گرفته است:

مقدمه ۱: زنجیره تاریخی فتوت به شیث بنی آدم میرسد.

مقدمه ۲: شلینگ فیلسوف آلمانی برای بازگشت به فطرت آدمی، شیث را مثال میزند.

نتیجه: زنجیره تاریخی فتوت قابل انطباق با اندیشه شلینگ است.

یکی از مهمترین ویژگیهای هر دو استدلال، ارتباط جملات با یکدیگر و ارتباط بحث با مباحث بعدی است. کربن از همان ابتدای بحث، سعی میکند به صورت کاملاً منطقی و با رعایت ترتیب مقدمات، بحث خود را پیش ببرد. به نحوی که با خواندن هر بند، میتوان مقدمات و نتایج را به صورت واضح، دریافت کرد. در این دو استدلال، واژه مبهمی وجود ندارد و تنها، ضعف آن، مستند نبودن و نداشتن ارجاع است. میتوان گفت در کتاب آیین جوانمردی، در تمام استدلالها، مقدمات، حاصل مطالعات قبلی کربن و یا ارجاع به فتوت نامهباست. آنجا که به فتوت نامه‌ها ارجاع داده میشود، میتوان سخن او را پذیرفت اما وقتی مطالعات قبلی او، به عنوان مقدمه مطرح میشوند، تنها راه پذیرش آن، اعتماد به پژوهشگر (کربن) است.

در ادامه استدلال دیگری مطرح میشود که ثابت میکند، اندیشه فتوت بستگی کامل با اندیشه‌های شیعی دارد:

مقدمه ۱: «اسلام بر پایه دو اصل اعتقادی استوار است: یکی نبوت و ولایت، که همانا رسالت پیامبر است؛ و دیگری ولایت که تجلی آن در امامان است». (کربن، ص ۷)

مقدمه ۲: «فتوت جامع هر دوی اینهاست (نبوت و ولایت)، پایه گذارش حضرت ابراهیم (ع)، قطب آن امام علی (ع) و خاتم آن حضرت حجت (عج) است» (کربن، ص ۸) (به طور مثال نک: کربن، ۳۳)

نتیجه: «اندیشه فتوت بستگی کامل با اندیشه شیعی و برداشت شیعه از امامت دارد». (همان)

مقدمه اول از نظر «درستی» دچار خطا شده است. در این مقدمه اسلام به معنای شیعه آمده است. زیرا این مذهب شیعه است که بر اصل نبوت و ولایت استوار گردیده است. بیان مفهوم واژه های نبوت و ولایت، بر وضوح مقدمه افزوده است. همچنین قرار گرفتن فتوحه روی حرف «و» نشان دهنده دقت پژوهشگر است. او در ادامه به تفاوت واژه «ولایت» و «ولایت» اشاره کرده و از مخاطب میخواهد این دو واژه را با یکدیگر اشتباه نگیرد. (نک: کربن، ۱۴)

به هر حال اگر در این استدلال، خطای مربوط به واژه «اسلام» را نادیده بگیریم، میتوان آن را پذیرفت و دریافت این نتیجه را منطقی دانست.

پیوند جهانی میان ادیان، نظریه ای است که کربن در تمام آثار خود، آن را مطرح کرده است. در کتاب آیین جوانمردی، تحلیل و بررسی آیین فتوت و منشا آن، بهانه ای شده تا کربن این موضوع را از منظری دیگر تحلیل و اثبات کند. در تمام فتوت نامه هایی که کربن آن را بررسی کرده است، حضرت ابراهیم به عنوان ابوالفتیان معرفی میگردد. با توجه به اینکه کربن منشا تمام مذاهب اهل کتاب را، آیین ابراهیم میداند اینگونه استدلال خود را بیان کرده است:

«اگر بپذیریم که حضرت ابراهیم ابوالفتیان و پدر همه شوالیه های ادیان ابراهیمی است، پدر همه اهل کتاب نیز به شمار می آید و از اینجا میتوان به پیوند جهانی همه ادیان پی برد» (کربن، ۱۱)

در واقع، کل استدلالها و گزاره هایی که کربن در کتاب آیین جوانمردی مطرح کرده است، در همین استدلال خلاصه میشود. این استدلال که نوع آن، استقرای تام است و به نحوی به قیاس بر میگردد، با بررسی مکتب جوانمردان و شوالیه های ادیان ابراهیمی، پیوند جهانی میان ادیان را اثبات کرده است. میتوان این استدلال را اینگونه بازنویسی کرد:

مقدمه ۱: اهل کتاب، زیر مجموعه ادیان ابراهیمی هستند.

مقدمه ۲: حضرت ابراهیم پدر همه جوانمردان است.

نتیجه و مقدمه ۱ (برای استدلال بعدی): همه اهل کتاب با آیین جوانمردی ارتباط دارند.

مقدمه ۲: غیر اهل کتاب (سایر ادیان، مذاهب و معارف) با آیین جوانمردی ارتباط دارند.

نتیجه: همه ادیان و مذاهب (چه اهل کتاب و چه غیر اهل کتاب) در داشتن آیین جوانمردی با یکدیگر اشتراک دارند.

در استدلال دوم، مقدمه ۲، جزو گزاره هایی که کربن استفاده کرده، نیست، اما در عباراتی که او استفاده میکند، این گزاره را میتوان دریافت کرد. این استدلال نسبت به استدلالهای دیگر این کتاب در لفظ، وضوح کمتری دارد و برای استخراج مقدمات آن، نیاز به بررسی بیشتر است. «ارتباط» این استدلال با کلیت کتاب، بسیار محسوس است. همچنین «عمق» مطلب بیان شده و «اهمیت آن» موضوعی است که با بررسی پژوهشهای محققان در حوزه تقریب ادیان و مذاهب، میتوان آن را به وضوح دریافت. (به عنوان نمونه نک: تسخیری، ۱۳۸۷: ۴۱-۷)

بعد از اینکه حضور فتوت در مذاهب و معارف دنیوی با چندین استدلال ثابت گردید، حال دوباره کربن به صورت جزئی معارف و ادیان دنیوی را به عنوان نمونه و شاهی برای استدلال اصلی خود آورده است. او در اعتقاد اهل سنت درباره آیین فتوت توضیح میدهد که پژوهشگران اهل سنت هم که درباره فتوت به تحقیق و پژوهش پرداخته اند، به ناچار باید این موضوع را مانند آنچه در تشیع است، بپذیرند. آنها « به رغم میل خود چون محققان شیعی عمل کرده اند. » (۷ و ۸) مثالی که کربن در اختیار دارد، عمر سهروردی است که در فتوت نامه خود نمیتواند موضوع امامت را که مبنای ولایت است به سهولت طرح کند. (نک: ۴۶) او وقتی سخن از انتقال فتوت از شیث به ابراهیم و از ابراهیم به محمد (ص) را به میان می آورد، ناچار است دو ساحت پیامبری یعنی نبوت و ولایت را با هم شرح دهد. « از این روست که شیخ ما سهروردی، ناخواسته شیعی مسلک شده است (و به ناچار معتقد است که) فتوت از حضرت رسول (ص) به امیرالمومنین علی بن ابیطالب (ع) منتقل شده » (کربن، ص ۴۷) استدلال صورت گرفته از نوع قیاسی است و مقدمات آن اینگونه است:

مقدمه ۱: موضوع امامت، مبنای ولایت قرار میگیرد. (موضوع امامت از ولایت جدایی ناپذیر است و فطرت الهی انسان مقتضی آن است که فتوت از دو ساحت پیامبری، یعنی نبوت و ولایت، جدایی ناپذیر باقی بماند.)
مقدمه ۲: انتقال فتوت، به وسیله اولیاء الله (پیامبر و امام) صورت میگیرد.
مقدمه ۳: سهروردی بحث فتوت را بیان کرده است.

نتیجه: مباحث سهروردی درباره امامت (که مربوط به مذهب شیعه است) او را در موضع مولفی شیعه قرار میدهد. یکی از مهمترین ویژگیهای این استدلال، بیان مقدمات پی در پی و استفاده از گزاره های هم معنی است. کربن یک گزاره را به شکلهای مختلف بیان کرده و قصد دارد در هر صورت مخاطب را به یقین رسانده و او را مجاب کند. به همین دلیل در این استدلال، « وضوح » مهمترین ویژگی است. منبعی که کربن به آن استناد نموده، فتوت نامه سهروردی است. بنابراین درستی سخن او تایید میگردد. کربن در این استدلال جانب انصاف را نیز رعایت کرده است. چرا که ابتدا با مقدمه چینی، ارتباط ولایت را با فتوت آشکار میکند و سپس آن را در افکار سهروردی که سنی مذهب است، آورده است. البته بهتر آن بود که برای رسیدن به نتیجه، نمونه های دیگری را نیز مطرح میکرد. اما با توجه به اینکه او در پی بررسی و تحلیل فتوت نامه سهروردی است، مثال آورده شده، به اقتضای بحث است و میتوان آن را پذیرفت.

کربن در ادامه بحث خود، دائما اصطلاحی را به کار می برد که تعریف آن، ۷۰ صفحه بعد آمده است: « شوالیه عرفانی ». او این اصطلاح را هم معنی واژه جوانمرد قرار داده و آن را اینگونه تعریف کرده است :

« شوالیه عرفانی کسی است که توانسته از حدود این جهان و حتی جهان دیگر پا فراتر نهد؛ کسی است که کمربند عبودیت خدا را به میان بسته است و به عهدش با الله وفادار است ». (کربن، ۷۷)

این تعریف اگرچه واضح است ولی مانع نیست. یعنی « بیش از حد باز است ». در این تعریف تمام کسانی که به عهدهای خود با خدا وفادار هستند، جای میگیرند. در حالی که « شوالیه » اصطلاحی نظامی است و وقتی ترکیب « شوالیه عرفانی » به میان می آید باید تعبیر خاصی برای واژه « شوالیه » غیر از آنچه که کربن آورده، وجود داشته باشد. لازم بود این تعریف در همان ابتدای کتاب و در مقدمه می آمد. چرا که تا رسیدن به این تعریف، چندین بار لفظ « شوالیه » مورد استفاده قرار گرفته است. اگرچه کربن در مقدمه کتاب آنجا که از اصول اخلاقی زرتشتی و نظام شوالیه گری سخن به میان می آورد، چگونگی گذار از حماسه پهلوانی به حماسه عرفانی را توضیح میدهد (

نک: ۸ و ۹)، اما به طور واضح مشخص نیست که منظور او اصطلاح «شوالیه» چیست. تعریف این واژه در کنار مقدمه کتاب، به طور واضح مشخص میکند که منظور از شوالیه عرفانی همان فتی یا جوانمرد است. حال که مفهوم اصطلاح «شوالیه عرفانی» مشخص شد، استدلال کربن مبنی بر اشتراک ادیان در آیین فتوت ادامه می یابد:

مقدمه ۱: «ایو گتیو دورس مدعی است که اصول اخلاقی زرتشتی به نظام شوالیه گری انجامیده است». (کربن، ص ۸)

مقدمه ۲: «میان یاران سوشیانت زرتشتی و یاران امام دوازدهم وجوه مشترکی هست». (همان)

نتیجه: زرتشت و شیعه در آیین فتوت، مانند هم هستند.

استدلال شکل گرفته در این بحث، استدلال تمثیلی است. کربن با پیدا کردن وجوه اشتراک میان یاران سوشیانت و یاران امام دوازدهم به این نتیجه رسیده که زرتشت و شیعه، در آیین فتوت مانند هم هستند. این استدلال، ابهاماتی دارد. اولاً کربن هیچ توضیحی درباره یاران سوشیانت و یاران امام دوازدهم نمیدهد و وجه اشتراک آنها را مشخص نمیکند. او تنها به بیان اینکه این دو به یکدیگر شباهت دارند، بسنده کرده است. مقدمه اولی که کربن بیان کرده، به نقل از دانشمندی است که هویت او (حداقل برای ما) مشخص نیست. هم چنین سندی هم برای این سخن معرفی نشده است. بنابراین «درستی» استدلال، محل تردید است.

بحث همانندی آیین فتوت در زرتشت و شیعه ادامه پیدا میکند و کربن آن را تا آرمانهای عرفای آلمان و آیین مسیحیت پیش می برد. کربن در ادامه، مقدمات دیگری را در کنار هم قرار میدهد و میخواهد ثابت کند آنچه در آیین زرتشت و اسلام (شیعه و سنی) و عرفان ابراهیمی به عنوان آیین فتوت وجود دارد، همان آرمانی است که عارفان بزرگ آلمان و آیین مسیحیت از آن سخن میگویند.

«در مغرب زمین سده چهاردهم میلادی این روح و حال و جذبه نزد عارفان بزرگ آلمانی و به ویژه در ولایت رنانی دیده میشود؛ نزد عارفانی چون اکهارت، جان تاولر و هنری زوزو که دوستان خدا نامیده می شدند. پیش از آنکه رولمن مرسون جزیره سبز خود را در شهر استراسبورگ بنیاد گذارد، گفته بود که عصر صومعه ها سپری شده است و چیز دیگری باید تا بتواند پاسخگوی آرمان ما باشد؛ آرمانی جز آرمان روحانیون و غیر روحانیون، بلکه آن آرمانی که مطلوب شوالیه معنوی است. این «چیز دیگر» همان است که عرفا در طلب آن بوده اند، همان آرمانی که مردم از حضرت ابراهیم میخواستند، یعنی «آرمان نوین» فتوت». (کربن: ۸)

کربن در بررسی فتوت نامه سهروردی همین بحث را پی میگیرد:

«پیش از این گفتیم که میتوان در مغرب زمین این وجه را با وضع رولمن مرسون عارف مسیحی استراسبورگی که در قرن چهاردهم میلادی می زیسته، مقایسه نمود. برای او دوران دیر به سر آمده بود، همچنان که برای کسانی که نزد ابراهیم رفتند و از او راهنمایی خواستند، دوران خرقه به سر آمده بود. چیز دیگری لازم بود که همانا فتوت بود»

رولمن مرسون هم مسلک عشاق حق را به وجود آورد که رهروان آن نه کشیش بودند و نه مومنان عادی، بلکه کسانی بودند که در شوالیه گری معنوی که بر عرفان مکتب رنانی مبتنی بود، راه خود را یافتند و نام خود را دوستان خدا نامیدند. میتوان در این باره به تحقیقات تطبیقی دینی پرداخت». (کربن، ۴۴)

میتوان استدلال کربن را در این بحث، اینگونه بازسازی کرد:

مقدمه ۱: مردم از حضرت ابراهیم «آرمان نوین فتوت» را میخواستند.

مقدمه ۲: بحث از شوالیه معنوی (آرمان فتوت) در میان عرفای آلمان وجود داشت. نتیجه: آیین ابراهیم و عقیده عرفای آلمان در بحث فتوت، با یکدیگر اشتراک نظر دارند. با این استدلال باز هم اشتراکی دیگر اثبات میشود. کربن با مقایسه رولمن مرسون و ابراهیم و نیز رهروان هریک از این دو، به این نتیجه میرسد که آرمان هردوی آنها (آرمان نوین فتوت) یکی است. این استدلال در بخشهای بعدی ادامه مییابد. اصطلاح «فتوت خاص الخاص» که کربن در بررسی فتوت نامه نجم الدین زرکوب آورده، در ارتباط با مسلک رولمن مرسون با آیین اسلام است: «فتوت خاص الخاص» در میان اولیاء الله این فتوت حق را به حق رسانیدن و حق خویش را از خدای تعالی گرفتن است. یعنی متخلق به اخلاق الله شدن که خداوند نیز در عوض حق جوانمرد را به او برساند. از این بهتر نمیتوان رابطه جوانمردانه میان خالق و مخلوق را بیان داشت... ابن عربی از این مطلب به تفصیل سخن گفته... پیش از این گفتیم که برداشت مکتب رنایی (اکهارت) از مفهوم انسان شریف، برداشت از همین رابطه خالق و مخلوق است. ابن عربی همین بحث را درباره رابطه میان رب و مربوب دارد...» (کربن، ۶۵ و ۶۶)

این بار ابتدا اصطلاح «فتوت خاص الخاص» را تعریف کرده و سپس آن را در مسلک رولمن مرسون و آیین اسلام و نیز اندیشه‌های ابن عربی می‌یابد. با همین استدلال یکبار دیگر، نزدیکی معارف به یکدیگر را اثبات میکند. تعریف کربن از اصطلاح «فتوت خاص الخاص» از فتوت نامه نجم الدین زرکوب استخراج شده است. او عبارت «حق را به حق رسانیدن و حق خویش را از خدای گرفتن» را قبلتر و با مثال «نان» توضیح داده است (نک: کربن، ۶۴) بنابراین این تعریف واضح و کامل است. استدلالی که کربن در این بحث از آن بهره برده، استدلال قیاسی است. این استدلال اهمیت بسیاری دارد چرا که نتیجه آن در بحثهای بعدی، به عنوان گزاره‌ای اثبات شده، به کار گرفته میشود.

در اینجا «ارتباط» به عنوان یکی از مولفه‌های تفکر انتقادی، در تمام بندها دیده میشود. کربن با «وسعت نظر»، به «دقت» اشاره‌هایی به سایر ادیان دارد و آنها را در کنار یکدیگر قرار میدهد و با ارتباط دادن عقاید آنها، به نتیجه میرسد.

یکی دیگر از واژه‌هایی که در استدلالهای بعدی، مورد نیاز کربن می‌باشد، واژه «مروت» است. او این تعریف را با توجه به کتاب فتوت نامه عبدالرزاق کاشانی آورده است:

«مراد از مروت خصوصیتی است که انسانیت انسان را تشکیل میدهد؛ خصوصیتی که انسان را شایسته این نام میکند. شاید بتوان مروت را به کرم نیز ترجمه کرد، اما بهتر است کرم را برای معادل اصطلاحهای دیگری به کار ببریم، چه مروت شامل مجموعه‌ای از فضایل و سجایا و کردارهای نیکوست که واژه آداب دانی^۱ به مفهوم آن نزدیکتر است.» (کربن، ۱۴) تعریف دیگری نیز از این واژه در صفحه بعد آمده است:

«معنای مروت این است که انسان به اصالت فطرت نخستین خود بازگردد» (کربن، ۱۵)

برای کربن آنچه مهم است، تعریف درست واژه با توجه به استدلال پیش رو است. یعنی معنای لفظی واژه و اینکه مترادفات آن چیست، اهمیت چندانی برای او ندارد. اگرچه در برخی موارد، به معنای لفظی واژه، توجه دارد اما هدف اصلی او از تعریف واژه‌ها این است که به مخاطب بفهماند آن واژه خاص، با چه معنایی در استدلال حضور دارد. بنابراین توجه به تعاریف قبل از استدلال، اهمیتی بسزا دارد.

^۱ courtoisie

واژه مروت مفهومی انتزاعی است که کربن با استفاده از سایر مفاهیم انتزاعی مثل «انسانیت»، «فضایل» و «کردار نیکو» آن را تعریف میکند. هم چنین در تعریف بعدی، آن را بازگشت به اصالت فطرت نخستین انسان معنی میکند. او با این تعریف، در پی مقدمه چینی برای استدلالی دیگر است. دلیل و هدف کربن از ارائه این تعریف آن است که ثابت کند «مروت» به عنوان شرط نخستین فتوت، از ابتدای خلقت انسان با او بوده و به میثاق پیش از تولد انسان (عهد الست) باز میگردد. (نک: کربن: ۱۵) اگرچه به طور مستقیم استدلال او مطرح نشده اما میتوان از دل تعاریف و توضیحات او این استدلال را استخراج کرد:

مقدمه ۱: مروت، نخستین شرط فتوت است.

مقدمه ۲: مروت مجموعه ای از خوبیها و فضایل است.

مقدمه ۳: انسان از همان ابتدای خلقت و در زمان بستن پیمان الست، دارای خلوص ذاتی و فضیلت بود.

نتیجه: تاریخ فتوت، به ابتدای خلقت انسان باز میگردد.

در بررسی این استدلال قیاسی، «درستی» مقدمات استدلال آشکار است. مقدمه ۱ و ۲، از فتوت نامه ها استخراج شده و مقدمه ۳، به باور مشترک انسانها اشاره دارد. بنابراین نتیجه استدلال «درست» است.

در مرحله بعدی و در بررسی فتوت نامه عبدالرزاق کاشانی، واژه ای دیگر تعریف میشود: «هدایت». در این تعریف، هدایت به عنوان یکی از مراحل اساسی فتوت معرفی میشود. کربن با توضیح درباره مراحل فتوت و مراحل اساسی عرفان اسلامی، باز هم وجه اشتراکی میان اصول فتوت و اصول عرفان اسلامی می یابد. او بعد از تعاریف، مرحله اول عرفان اسلامی را همان هدایت معنی میکند و استدلال را شکل میدهد.

در تعریف واژه هدایت آمده است:

«هدایت، گام نهادن در جهت صحیح و راه رستگاری است. از این رو مفهوم استقامت، یعنی ثبات قدم، استحکام موضع و خلل ناپذیری اراده در اینجا جلوه خاصی مییابد... هدایت یعنی دیده بصیرت که به شکرانه تأیید الهی نصیب میگردد و از این راه است که شخص میتواند موضوع مطلوب را شخصا به چشم خود ببیند» (کربن، ص ۲۶) بعد از بیان مفهوم واژه هدایت و در جهت ساخت استدلال خود، مراحل را نیز تعریف میکند:

«مرحله اول، علم الیقین اعتقاد دینی و فقهی است. برای مثال درک این مطلب که آتش هست و چه مشخصاتی دارد. مرحله دوم عین الیقین اعتقاد به شاهد عینی است که دیدن آتش با چشمان خود است. مرحله سوم، حق الیقین، اعتقاد از راه رسیدن به یقین و به عبارت دیگر از طریق سیر شخص تا وصول به حقیقت است؛ مانند آنکه خود شخص به آتش بدل شود». (همان) هم چنین در بررسی فتوت نامه نجم الدین زرکوب تبریزی، این مراحل سه گانه را با درجات سه گانه «شریعت (علم الیقین)، طریقت (عین الیقین) و حقیقت (حق الیقین)» توضیح میدهد. (نک: کربن، ۶۰)

و با این تعاریف استدلال کربن شکل میگیرد:

مقدمه ۱: علم الیقین اولین مرحله در عرفان اسلامی است.

مقدمه ۲: هدایت یکی از اصول فتوت است.

مقدمه ۳: هدایت، به معنای علم الیقین است.

نتیجه: در عرفان اسلامی، اصول فتوت وجود دارد.

اهمیت استدلال و سیر منطقی آن، قابل درک است. چرا که کربن در حین شکل گیری استدلال، واژه های مبهم را تعریف کرده است. شاید بهتر بود کربن در این استدلال شباهت این دو مرحله اول را شفافتر بیان میکرد. صرف

اولین مرحله بودن، نمیتواند ثابت کند ماهیت هر دو یکسان است. بنابراین درستی استدلال محل تردید است و برای رفع این تردید، بهتر بود کربن توضیحات کاملتری را بیان میکرد.

در فصل ششم فتوت نامه شمس الدین آملی، مولف اصطلاحاتی را تعریف کرده است. کربن بسیاری از این اصطلاحات را بررسی و تفسیر میکند. یکی از این اصطلاحات، لفظ «کبیر» است. کربن بعد از تعریف اصطلاح «کبیر» به نقل از شیخ آملی، جایگاه آن را در آیین مسیحیت و تصوف ایرانی روشن میسازد:

«کبیر یعنی ارشد؛ و آن کسی است که شخص از دست او بدون واسطه آب نمک دریافت کند (اشاره دارد به داستان پیامبر و حضرت علی درباره چشم بر هم نهادن و خانه همسایه را ندیدن). البته لازم نیست قح از دست کبیر گرفته شود، بلکه وکیل او نیز میتواند قح را بدهد. به هر حال کبیر پدر روحانی است و کسی که آب نمک را می نوشد، فرزند روحانی است. در این باره واژه های دیگری چون شیخ، قائد، زعیم، مقدم، رئیس الحزب و پیشقدم به کار رفته است. به نظر نویسنده مقدمه (یعنی خود کربن)، کبیر همان کسی است که در دین مسیح مومنان نزد او اعتراف میکنند . اهل تصوف ایرانی به او پیر مغان هم گفته اند.» (کربن، ص ۳۵)

ماجرای نوشیدن آب نمک و داستان پیامبر و حضرت علی (ع) بارها در کتاب آیین جوانمردی بیان میشود. این ماجرا به عنوان رسمی در میان اهل فتوت شناخته شده است. کربن رسوم مربوط به مراسم نوشیدن آب نمک را با مراسم نوشیدن شراب در عالم مسیحیت و نیز آیین مهرپرستی مقایسه میکند. هر دو مراسم (هم نوشیدن آب نمک و هم نوشیدن شراب) نشانه وفای به عهد است. بنابراین این رسوم همگی یک منشا و یک غایت دارند و آن «فتوت» است.

در جهت ساختن استدلال در این باره مقدمات زیادی در کنار هم قرار گرفته اند:

مقدمه ۱: قبل از ماجرای نوشیدن آب نمک از داستان پیامبر، ابوجهل عموی او در میان فتوت داران رسم نوشیدن شراب را به جای می آورد. «ابوجهل به ظاهر از فتوت داران بنام پیش از اسلام بود که با چهارصد نفر در نوشیدن قح شراب شرکت میکرد» (کربن، ص ۶۹)

مقدمه ۲: «میگویند در عصر امام جعفر صادق (ع) جوانهای پر شور هوادار اسماعیل دور ابوالخطاب گرد شده بودند، رسم جام شراب را به جا می آوردند. متن بسیار زیبایی هست که مراسمی را در عالم مسیحیت وصف میکند. در این مراسم یاران جمع می شدند و شراب الملکوت می نوشیدند. این رسم در عین حال یادآور مجلس شام آخر عیسی و حواریون نیز هست.» (کربن، ص ۶۹)

مقدمه ۳: «در آداب و رسوم مهرپرستی، نوشیدن شراب یا آب از جامی که در مراسم میچرخانند، رمز و نشانه ای است از خون گاوی که جهان روی شاخ او میگردد و در واقع تمثیل دنیای موجود و رسمی شناخته شده است.» (۶۹)

مقدمه ۴: گرفتن قح شیر در شب معراج پیامبر رمز و ورازی دارد که این رمز و راز به آیین فتوت باز میگردد (نک: کربن، ص ۷۰)

نتیجه: رسم نوشیدن شراب، نوشیدن آب نمک و نوشیدن شیر همگی به آیین فتوت باز میگردد و همه معارف، در این باره غایتی یکسان دارند.

استدلالی که در این بحث شکل گرفته، تمثیلی است. کربن همه جوانب رسم و رسوم را توضیح داده و با عمق بخشیدن به مقدمات خود، به خوبی استدلال را ساخته است. این استدلال یکی از استدلالهای محکم و متقن در کتاب است و ابهامی در آن دیده نمیشود. میتوان گفت ساختار منطقی استدلال، به درستی شکل یافته است.

اگرچه مقدمات استدلال در صفحات گوناگون کتاب (و نه پشت سر هم) آمده است و گاه درک ارتباط مباحث دشوار میشود، اما با کنار هم قرار گرفتن بحثهای مرتبط، میتوان نتیجه گرفت که کربن از ابتدا تا انتهای کتاب، یک هدف را در نظر میگیرد و برای رسیدن به آن هدف، ذهن مخاطب را گام به گام آماده میسازد. کربن در جایی دیگر بحثی را مطرح کرده که قابل تامل است. او ابتدا از عدم تطابق شریعت با اصول فتوت و مروت سخن به میان می آورد. اما این عدم تطابق به معنای تضاد نمیداند و آن را تفاوت در رفتار تعبیر میکند: «اموری هست که با شریعت مطابق است، حال آنکه همین امور با مروت و فتوت مطابق نیست. منظور این نیست که مروت و فتوت متضاد با شریعت است، بلکه مساله این است که برای مثال اهل فتوت معتقدند اگر کسی ستمی در حق آنان روا دارد، اصول فتوت ایجاب میکند که در عوض نیکی کنند. اما شریعت و اجرای قانون آن قائل به قصاص، یعنی عمل بد در مقابل عمل بد دیگری است.» (کربن: ۵۱) کربن در جهت اثبات عدم تضاد میان شریعت و فتوت، علی (ع) را مثال میزند؛ کسی که در مرحله شریعت، در بالاترین جایگاه قرار داشت و در عین حال، اهل فتوت بود. در این توضیحات، استدلالی نهفته است و آن، چنین است:

مقدمه ۱: نحوه رفتار اهل فتوت خوبی در برابر بدی است. (عفو مجرم)

مقدمه ۲: نحوه رفتار اهل شریعت بدی در برابر بدی است (قصاص مجرم)

مقدمه ۳: رفتار علی (ع) به عنوان اهل شریعت با مجرمان، خوبی در برابر بدی (عفو) بود.

نتیجه: فتوت اگر چه رفتاری متفاوت با شریعت دارد، اما آن دو با یکدیگر تضاد ندارند. (نک: کربن، ۵۱)

مثالی که کربن در طی بحث بیان میکند، بر وضوح مطلب می افزاید. عمق و اهمیت این استدلال، محل تردید است. به این معنا که گویی نتیجه استدلال، گزاره ای از پیش اثبات شده است و نیاز به تحلیل ندارد. واژه «شریعت» اصطلاحی است که نیاز به توضیح دارد. تعریف و توضیح این واژه در صفحات بعدی به طور مفصل آمده است (کربن، ۶۰)

گام پایانی: جمع بندی

آخرین مرحله در پژوهشهای هانری کربن جمع بندی مباحث است. او بعد از طرح موضوع و بیان تعاریف و استدلالها، با استفاده از جملات کوتاه و واضح، بحث را به پایان رسانده است. به این صورت که چندین بند را پشت سر هم می آورد و در پایان، جمع بندی و یا نتیجه گیری میکند. نتیجه مطرح شده، میتواند حاصل چند استدلال باشد. کربن تمام زوایای موضوع را بیان کرده و بند پایانی را به جمع بندی اختصاص میدهد. جملات و واژه هایی که در جمع بندی آمده، اغلب در بحثهای قبلی دیده میشود و کربن با استفاده از همان اصطلاحات، بحث خود را به پایان رسانده است. این الگو در تمام فصلهای کتاب دیده میشود. به طور مثال در فصل اول کتاب که فتوت نامه عبدالرزاق کاشانی مورد بررسی قرار گرفته، کربن بعد از شرح مرحله مروت و مفاهیم مربوط به آن چنین آورده است:

« خلاصه آنکه جوانمردان ایمان دارند و ایمان شان با خلوص ذاتی و فطرت نخستین انسان یکی است. از این رو جوانمردی به میثاق پیش از تواد انسان باز میگردد...» (کربن، ۱۵)

هم چنین در پایان همین فصل در دو سطر، تمام آنچه را که در طول بحث مطرح گردیده، اینگونه جمع بندی میکند:

« خلاصه آنکه همه اینها رفتار اساسی جوانمردان است و در عین حال این صفات تنها صورت خارجی ولایت و آغاز آن است، چرا که ولایت امر درونی و باطنی فتوت است.» (کربن، ۳۰)

این جملات کوتاه در پایان بحثی مفصل آمده و مخاطب با خواندن همین دو جمله می‌تواند در ذهن خود موضوعات مطرح شده را طبقه‌بندی کرده و به آنها نظم دهد.

در بررسی فتوت نامه چیت‌سازان، کربن ترجمه‌ای اجمالی از هر فصل آورده است. بعد از ترجمه فصل اول، خلاصه‌ای از آن را در پایان این‌گونه بیان می‌کند: « اندیشه اصلی این توضیحات در این است که هنر چیت‌سازی بدون شناختن مبانی معنوی آن، نوعی شرک است. از عنوان این فصل، منظور مولف به خوبی پیداست که باید هنر چیت‌سازی را به گونه عملی مقدس به شمار آورد تا تضمینی برای نجات شخص در روز رستاخیز باشد؛ و مانند کیمیاگری هم عملیاتی روی پارچه است و هم عامل دگرگونی در درون پیشه‌ور. » (کربن، ۸۹) این جملات، بعد از شش صفحه ترجمه و سی و هشت پرسش و پاسخ آمده است و به صورت واضح، هدف بحثهای پیشین را مشخص می‌کند.

عنوان فصل هشتم کتاب آیین جوانمردی، « نتیجه کلی » است. کربن در این فصل، هدف اصلی خود را که ارائه نظریه‌ای جامع درباره موضوع فتوت بود، دنبال می‌کند. او در این قسمت نگاهی کلی و جامع به تمام فتوت نامه‌ها دارد و اندیشه غالب در آنها را بیان می‌کند. بیان وجوه اشتراک فتوت نامه‌ها و مقایسه کلی آنها با یکدیگر از جمله مباحثی است که در این فصل به آن پرداخته شده است. جملات پایانی این فصل، منظور و هدف کربن را مشخص می‌کند: « به هر صورت پژوهشهای مربوط به نهان‌روشی و یافتن روابط میان ظاهر و باطن اهمیت بسیار دارد و مراسمی که به فتوت وابسته است، ما را به مسائل بسیاری از این دست رهنمون می‌شود و از این روست که رساله‌های یاد شده ارزش پژوهشی زیادی دارند. » (کربن، ۹۸) اینک کربن در پی اثبات وجوه اشتراک عقاید و اندیشه‌هاست، نشان‌دهنده وسعت نظر و دوری او از هرگونه تعصب است.

نتیجه‌گیری

کربن از ابتدا تا انتهای کتاب در پی اثبات یک گزاره اساسی است. تمام استدلالهای موجود در کتاب، در راستای اثبات این گزاره است. شیوه پژوهشی غالب در این کتاب بدین صورت است: کربن هر جا که می‌خواهد بحثی را آغاز کند، ابتدا واژه‌ها کاربردی آن بحث را به طور واضح، تعریف می‌کند و این بدان معناست که نویسنده از همان ابتدای کار، خطاهای احتمالی در درک موضوع را در نظر گرفته و در جهت رفع ابهام، معنا و مفهوم واژه‌ها را بیان می‌کند. کربن در تعریف واژه‌ها، به کتابهای فتوت نامه توجه می‌کرده و بر اساس آنها، واژه‌ها را تعریف می‌کند. او بعد از تعریف واژه‌ها، تحلیل‌های خود را مطرح کرده و با دلایل و شواهدی که از فتوت نامه‌ها استخراج کرده است، استدلال خود را می‌سازد. البته این شیوه گاهی تغییر می‌یابد. گاه کربن بعد از بحث، معنای واژه را تعریف می‌کند و یا گاهی واژه‌ای معنا نمیشود در این میان، استدلالهایی هم وجود داشت که به بحث اصلی ارتباط مستقیم نداشتند، اما همگی زمینه‌ای را برای استدلالهای اصلی فراهم می‌آورد.

تعاریف موجود در کتاب چند ویژگی اساسی داشتند: شفافیت و وضوح، توجه به معنای اصطلاحی واژه در فتوت نامه‌ها، دقت و کاربردی بودن. منظور از کاربردی بودن این است که تعریفی که کربن بیان کرده، در استدلالی که در پی آن می‌آید، کاربرد دارد.

استدلالهای موجود در این کتاب غالباً دارای ساختار منطقی است. مقدمات اگرچه در پی هم نیامده‌اند، اما درک ساختار استدلالها، امکان‌پذیر است. تمامی استدلالهای کوچک و بزرگ (به لحاظ اهمیت و ساختار) در جهت اثبات گزاره اصلی است و میتوان گفت از میان مولفه‌های تفکر انتقادی، « ارتباط » بیشترین سهم را داراست.

جمع‌بندی مباحث در کتاب آیین جوانمردی با استفاده از جملات کوتاه و واضح صورت گرفته است. این جمع‌بندی به گونه‌ای است که مخاطب با خواندن آن، مباحث قبلی را در ذهن منظم کرده و هدف اصلی نویسنده را درمی‌یابد.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی دانشگاه علامه طباطبایی استخراج شده است. آقای دکتر نعمت‌اله ایرانزاده راهنمایی این رساله را برعهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. سرکار خانم نجمه حسینی سرخنی بعنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. سرکار خانم دکتر فرشته نباتی به عنوان مشاور نیز در تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنماییهای تخصصی این پژوهش نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان مقاله بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از نشریه وزین «بهار ادب» اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Elder, Linda and Paul, Richard (2017). Critical thinking, translated by Akbar Soltani and Maryam Aghazadeh, Tehran: Akhtaran, pp. 117-127
- Taskhiri, Mohammad Ali (2007). Speeches about the approximation of religions, Andishah Al-Karam magazine, number 14, page 7-41
- Khodadadi, Amir. (2013). Dissertation "Investigating the place of critical thinking in the content of religious education books of the middle school course, Allameh Tabatabai University, p. 13
- Khansari, Mohammad. (1366). Formal Logic (Vol. 2), Tehran: Agha, pp. 128-133
- Fisher, R. (2016). Teaching thinking to children, translated by Masoud Safai Moghadam and Afshana Najarian, Ahvaz: Resesh, p.5
- Ghazi Moradi, Hassan. (2014). An introduction to critical thinking, Tehran: Akhtaran, pp. 219-31
- Carbon, Henry. (1363) . The religion of chivalry, translated by Ehsan Naraghi, Tehran: New Publishing
- Lublan, Gilles. (2013). Thinking clearly, a guide to critical thinking, translated by Mehdi Khosravani, Tehran: Goman
- Maarofi et al. (2008). The place of critical thinking in the content of the social studies book of secondary school, Humanities Research Journal, 10th year, number 26, pp. 265-249
- Nebati, Angel. (1385). A comparison between inferring the best explanation and conjecture, Mishkoh Al-Noor, No. 35, p. 1
- Nazarnejad, Narges. (2008). The nature and types of definition, Tabriz: Yas Nabi, p. 79

فهرست منابع فارسی

الدر، لیندا و پل، ریچارد (۱۳۹۷). تفکر انتقادی، ترجمه اکبر سلطانی و مریم آقازاده، تهران: اختران، صص ۱۱۷-

سخیری، محمد علی (۱۳۸۷). گفتارهایی درباره تقریب مذاهب، مجله اندیشه تقریب، شماره ۱۴، صفحه ۴۱-۷ خدادادی، امیر. (۱۳۹۰). پایان نامه « بررسی جایگاه تفکر انتقادی در محتوای کتابهای تعلیمات دینی دوره راهنمایی تحصیلی، دانشگاه علامه طباطبایی، ص ۱۳ خوانساری، محمد. (۱۳۶۶). منطق صوری (ج ۲)، تهران: آگاه، صص ۱۲۸-۱۳۳ فیشر، آر. (۱۳۸۶). آموزش تفکر به کودکان، ترجمه مسعود صفایی مقدم و افسانه نجاریان، اهواز: رسش، ص ۵ قاضی مرادی، حسن. (۱۳۹۳). درآمدی بر تفکر انتقادی، تهران: اختران، صص ۳۱-۲۱۹ کربن، هانری. (۱۳۶۳). آیین جوانمردی، ترجمه احسان نراقی، تهران: نشر نو لوبلان، ژیل. (۱۳۹۳). واضح اندیشیدن، راهنمای تفکر نقادانه، ترجمه مهدی خسروانی، تهران: گمان معروفی و همکاران. (۱۳۸۸). جایگاه تفکر انتقادی در محتوای کتاب مطالعات اجتماعی دوره متوسطه، مجله پژوهش علوم انسانی، سال دهم، شماره ۲۶، صص ۲۶۵-۲۴۹ نباتی، فرشته. (۱۳۸۵). مقایسه ای میان استنتاج بهترین تبیین و حدس، مشکوه النور، شماره ۳۵، ص ۱ نظرزاده، نرگس. (۱۳۸۱). ماهیت و انواع تعریف، تبریز: یاس نبی، ص ۷۹

معرفی نویسندگان

سیده نجمه حسینی سرخنی: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

(Email: najme6816@yahoo.com)

نعمت‌اله ایرانزاده: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

(Email: iranzadeh@atu.ac.ir: نویسنده مسئول)

فرشته نباتی: دانشیار گروه فلسفه و منطق، دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

(Email: nabati@atu.ac.ir)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Syedeh Najmeh Hosseini Sorkhani: Ph.D. student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Persian Literature and Foreign Languages, University of Allameh Tabataba'i, Tehran, Iran.

(Email: najme6816@yahoo.com)

Nematolah Iranzadeh: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Persian Literature and Foreign Languages, University of Allameh Tabataba'i, Tehran, Iran.

(Email: iranzadeh@atu.ac.ir: Responsible author)

Fereshte Nabati: Associate Professor, Department of Philosophy and Logic, Faculty of Persian Literature and Foreign Languages, University of Allameh Tabataba'i, Tehran, Iran.

(Email: nabati@atu.ac.ir)